

مفهوم اجتماع [محلّی] در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری: ملاحظات کاربست نظریه‌ها در برنامه‌ریزی شهری

زهرا آزاد^۱ - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر تهران^۲، تهران.
پروین پرتوی - استاد شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران.
سوسن باستانی - استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

در پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری، اجتماع جایگاهی کلیدی در طرح‌ها و برنامه‌های شهری دارد. از این رو، از اوایل دهه ۱۳۸۰، پژوهش‌های متعددی در ایران با موضوع چگونگی کاربرد اجتماع در برنامه‌ریزی شهری انجام شده و برنامه‌های شهری گوناگونی با تکیه بر مفهوم اجتماع تهیه شده است. اگرچه برخی مطالعات و برنامه‌ها، محله را معادل اجتماع در نظر می‌گیرند، برخی دیگر معتقدند اساساً مفهومی معادل اجتماع در ایران وجود نداشته و مفاهیم اجتماع در جامعه‌شناسی شهری غرب را بدون در نظر گرفتن ملاحظات مرتبط با زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کاربرد این مفاهیم به کار گرفته‌اند. همین امر باعث شده تلقی یکسانی از اجتماع در میان برنامه‌ریزان شهری وجود نداشته باشد و برنامه‌های تدوین شده بر مبنای مفاهیم غربی اجتماع، در عمل موفقیت لازم را به دست نیاورند. از این رو، بیش از به کارگیری اجتماع در نظام برنامه‌ریزی ایران، با توجه به تعدد مفاهیم اجتماع در جامعه‌شناسی غرب، لازم است مشخص شود که کدام مفهوم از اجتماع برای کاربرد در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران مناسب است؟ با این حال، پرداختن به این پرسش نیازمند پاسخگویی به سه پرسش بنیادین دیگر است: (۱) مفهوم اجتماع در نظریات جامعه‌شناسی شهری چیست و هر یک از این نظریات برای کاربرد در چه شرایطی مناسب است؟ (۲) مفهوم اجتماع در پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری چیست و ریشه در کدام یک از نظریات جامعه‌شناسی شهری دارد؟ و (۳) پیشینه اجتماع در ایران چیست و در حال حاضر اجتماع چه مفهومی در ایران دارد؟ پژوهش حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از مرور روایتی نظریات اجتماع و بررسی تطبیقی کشف مغایرت^۳ به روش کیفی به پرسش نخست پاسخ دهد. به این منظور، نظریات بنیادین اجتماع با استفاده از مطالعات اسنادی مرور شده‌اند. سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریات با یکدیگر با استفاده از بررسی تطبیقی شناسایی و ریشه این شباهت‌ها و تفاوت‌ها با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی، تبیین شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از نظریات گوناگون اجتماع نیازمند در نظر گرفتن همزمان سه عامل است: (۱) زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر یا محله هدف، (۲) نظریه برنامه‌ریزی شهری ملاک پژوهش یا تدوین برنامه و (۳) هدف از انجام مطالعه یا تدوین برنامه.

واژگان کلیدی: اجتماع [محلّی]، تبارشناسی نظریات اجتماع، اجتماع در برنامه‌ریزی شهری، اجتماع در رویکردهای جامعه‌شناسی.

۱ نویسنده مسئول مقاله: zahraazad1800@gmail.com

۲ این مقاله از پایان‌نامه دکتری زهرا آزاد با عنوان "واکاوی مفهوم اجتماع محلّی به منظور کاربرد آن در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهر تهران با تأکید بر تحلیل شبکه اجتماعی" به راهنمایی پروین پرتوی و مشاوره سوسن باستانی در دانشگاه هنر تهران استخراج شده است.

ایران تا دوره پهلوی اول منطبق با مفهوم اجتماع در غرب است» (Saghatoleslami, 2012) و بر همین مبناست که اجتماع در برخی پژوهش‌ها و طرح‌ها معادل محله در نظر گرفته می‌شود. برخی دیگر از اندیشمندان و توسعه‌گران نیز تعاریف گوناگون اجتماع در جامعه‌شناسی شهری غرب را بدون تطبیق شرایط زمینه‌ای^۱ شهرهای ایران با زمینه‌ای که نظریه از آن اقتباس شده، ملاک پژوهش و تدوین طرح‌های توسعه قرار داده‌اند. سوم، در حالی که رهیافت‌های متأخر برنامه‌ریزی شهری بر مفهومی کمتر مکان‌مند از اجتماع مبتنی هستند، در حوزه برنامه‌ریزی شهری در کشور ما همچنان بر مفهوم مکان-محور و محله-محور اجتماع تأکید می‌شود. بنابراین ماهیت و چیستی اجتماع در ایران یکی از خلأهای اصلی پژوهش‌ها و طرح‌های توسعه شهری اجتماع-محور به شمار می‌آید. از این رو بهره‌گیری از طرح‌ها و برنامه‌های اجتماع‌محور در ایران در گام نخست، نیازمند ارائه مفهومی دقیق از اجتماع است که با شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهرهای ایران منطبق باشد. با توجه به خاستگاه اصلی اجتماع و پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری، به منظور شناسایی مفهوم مناسب اجتماع برای کاربری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، لازم است پرسش‌های زیر پاسخ داده شوند:

۱. مفهوم اجتماع در نظریات جامعه‌شناسی شهری چیست و هر یک از این نظریات برای کاربری در چه شرایطی مناسب است؟
۲. مفهوم اجتماع در پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری چیست و ریشه در کدام یک از نظریات جامعه‌شناسی شهری دارد؟
۳. پیشینه اجتماع در ایران چیست و در حال حاضر اجتماع چه مفهومی در ایران دارد؟

تتها در صورت پاسخگویی به این پرسش‌هاست که می‌توان مفهومی از اجتماع را در ایران شناسایی کرد که بتواند در چارچوب پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری، زمینه‌های تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی شهری ایران و افزایش مشارکت مردمی در برنامه‌ها را فراهم کند. پژوهش حاضر که بخش نخست آن با عنوان "واکاوی مفهوم اجتماع به منظور کاربری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران" است به پرسش نخست پرداخته است. یافتن پاسخ این پرسش به ما کمک می‌کند تا بدانیم که ملاحظات کاربری هر یک از نظریات اجتماع در برنامه‌ریزی شهری چیست. مفهوم اجتماع در پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری منطبق با مفهوم اجتماع در کدام نظریه جامعه‌شناسی شهری است و چگونه می‌توان این مفهوم را با شرایط ایران تطبیق داد.

به منظور شناسایی ملاحظات مربوط به کاربری اجتماع در برنامه‌ریزی شهری لازم است پرسش‌های زیر پاسخ داده شوند:

۱. مفهوم اجتماع در نظریات گوناگون چیست؟
۲. مفاهیم اجتماع در نظریات گوناگون چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟
۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود از چه عامل یا عواملی ناشی می‌شوند؟
۴. براساس شباهت‌ها و تفاوت‌های شناسایی شده،

در سال‌های اخیر رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری و الگوهای توسعه‌ای مطرح شده‌اند که مبتنی بر سطح محلی و مفهوم اجتماع^۱ هستند و اجتماع را واحد پایه برنامه‌ریزی می‌دانند. کاربری اجتماع در برنامه‌ریزی شهری موضوع جدیدی نیست. با این حال، براساس مطالعات دافی و هاجینسون، «رویکردهای معاصر به درگیر کردن اجتماع متفاوت با تجربه دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است. در سال‌های اخیر به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به این سو اجتماع به عنوان ابزاری برای اجرا در سطح محلی در سیاست شهری مورد توجه قرار گرفته است» (Duffy & Hutchinson, 1997: 349-350). «چنین مفهومی، اجتماع را یک فرآیند در نظر می‌گیرد. اجتماع در معنای فرآیند چیزی است که باید از طریق تلاش جمعی پرورش یابد و به وسیله برنامه‌ریزان تسهیل شود» (Talen, 2000: 174-180). تغییر دیگری که اجتماع را در این دوران از دوره‌های پیشین متمایز می‌کند، توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات است. بر اثر گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ارتباطاتی که تا پیش از این به مرزهای فیزیکی اجتماع از جمله محله محدود می‌شد، از این مرزها فراتر رفت. بنابراین امروزه نقش مکان و مرزهای محله در تعیین محدوده‌های اجتماع کم‌رنگ‌تر شده است. بر این اساس، اجتماع مد نظر پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری، اجتماعی است که متناسب با تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی جهان شکل گرفته و در حال تکامل است.

از ابتدای دهه ۱۳۸۰، سطح محلی و به کارگیری اجتماع، هم در عرصه آکادمیک و هم در عرصه مدیریتی در ایران نیز مورد توجه قرار گرفت و پژوهش‌ها و طرح‌های توسعه متعددی با محوریت اجتماع در برنامه‌ریزی شهری تهیه شده است. بررسی این پژوهش‌ها و طرح‌ها نشان می‌دهد که اگرچه تمامی آنها مبتنی بر اجتماع هستند، سه تفاوت بنیادین با یکدیگر دارند. نخست، در خصوص معادل فارسی اجتماع اتفاق نظر وجود ندارد. اگرچه برخی اجتماع را معادل محله در نظر می‌گیرند، دیگر پژوهشگران و توسعه‌گران از واژه‌هایی چون باهمستان، جماعت، اجتماع و اجتماع محلی به عنوان معادل فارسی آن استفاده می‌کنند. این اختلاف نظر در رابطه با ماهیت اجتماع که دومین تفاوت این پژوهش‌ها و طرح‌ها با یکدیگر به شمار می‌آید، دارای تکثر بیشتری است. برخی اندیشمندان همچون پیران بر این باورند که «اساساً در تاریخ شرق مقوله‌ای که تمامی مختصات کامیونیتی را داشته باشد، نمی‌توان یافت» (Piran, 2004). گروه دیگری از اندیشمندان معتقدند که «مفهوم محله از زمان ورود اسلام به

۱ اگرچه در ادبیات شهرسازی ایران، معادل «اجتماع محلی» برای community بیش از سایر معادلها به کار گرفته شده، در این پژوهش به دو دلیل از این معادل استفاده نشده است: (۱) مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد که «اجتماع محلی» معادل «local community» در ادبیات شهرسازی کشورهای غربی است و (۲) نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با نزدیک شدن به دوران متأخر، نقش مکان در community کم‌رنگ شده است. از این رو، استفاده از معادل‌هایی که دارای مفهوم مکانی هستند نمی‌تواند در برگزیده انواع community باشد. از این رو، در این پژوهش از معادل «اجتماع» برای community استفاده شده است.

ملاحظات به کارگیری هر یک از مفاهیم و نظریات اجتماع در برنامه‌ریزی شهری چیست؟
بر این اساس، این مقاله شامل چهار بخش است. در بخش نخست، مفهوم اجتماع در نظریات گوناگون بررسی شده است. از آنجا که تعاریف متعددی از اجتماع وجود دارد، در این بخش به نظریاتی پرداخته شده که پایه و اساس سایر تعاریف به شمار می‌روند. در بخش دوم، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم بخش نخست شناسایی شده‌اند. سپس ریشه شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریات و تعاریف گوناگون، شناسایی شده و نظریات گوناگون بر مبنای ریشه شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان دسته‌بندی شده‌اند تا مشخص شود هر نظریه برای مطالعه اجتماع در چه شرایطی کاربرد دارد. در نهایت نیز ملاحظات کاربست اجتماع در برنامه‌ریزی شهری براساس مطالعات فوق ارائه شده است.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر که در زمره پژوهش‌های توصیفی و کاربردی قرار می‌گیرد، از بررسی تطبیقی استفاده شده است. با توجه به هدف این پژوهش مبنی بر شناسایی ملاحظات کاربست نظریات گوناگون اجتماع در برنامه‌ریزی شهری که نیازمند شناسایی مفهوم و ویژگی‌های اجتماع در نظریات گوناگون است، روش پژوهش، کیفی است.

از آنجا که واکاو مفهوم اجتماع در نظریات گوناگون نیازمند درک تفاوت‌های پارادایمی و زمینه‌ای نظریات است، در پژوهش حاضر از بررسی تطبیقی کشف مغایرت استفاده شده است. با توجه به این که مقاله حاضر در زمره مقالات مروری روایتی است که سعی دارد از طریق مطالعه نظریات اصلی اجتماع به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد، مورد‌های مطالعه همان نظریات اصلی اجتماع در جامعه‌شناسی شهری هستند که در برنامه‌ریزی شهری به کار گرفته می‌شوند. از این رو نظریات اجتماع (موردهای پژوهش) و منابع مورد بررسی (جامعه آماری پژوهش) به صورت غیراحتمالی و هدفمندانه تا زمان شناسایی تمامی نظریات مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی شهری (اشباع اطلاعات) در دو مرحله شناسایی شدند. در مرحله نخست با استفاده از کلمات و عبارات Community, Urban Community, Local Community, Community and City و پایگاه‌های انگلیسی‌زبان Community and Society, ProQuest, ScienceDirect, SAGE Journals, GoogleScholar و با کلمات و عبارات اجتماع، اجتماع محلی، باهمستان، جماعت و اجتماع شهری در پایگاه‌های فارسی‌زبان SID, magiran و irandoc در بازه زمانی اول آذر تا پانزدهم بهمن ماه ۱۳۹۵ جست‌وجو شد. جست‌وجو در این مرحله با هدف شناسایی نظریات کلیدی اجتماع صورت گرفت. بنابراین برای تسریع شناسایی این نظریات، مقالات با رجاعات بالاتر به عنوان مرجع انتخاب و نظریات بنیادین با استفاده از مطالعه اسنادی این مقالات شناسایی شدند.

پس از شناسایی نظریات بنیادین اجتماع و تبارشناسی اولیه نظریات، در مرحله دوم جست‌وجو، عنوان نظریات و نام نظریه‌پردازان به عنوان واژه‌های کلیدی در پایگاه‌های بیان شده

مورد استفاده قرار گرفت. بر این اساس عبارات Gemeinschaft and Organic Solidarity, Mechanical Solidarity, Gessellschaft, Urban Community, Political Community, Cultural Community, Postmodern Community, Community, Post-Place Community, Communication Community, Symbolic Community و نام‌های Durkheim, Tonnies, Park, Wirth, Chicago School, Melvin Weber, Barry Wellman, Social Mobilization, Communitarianism و معادل‌های فارسی آنها، ابتدا در پایگاه‌های انگلیسی و سپس فارسی جست‌وجو شد. از میان حدود ۴۰۰ کتاب، مقاله و پایان‌نامه شناسایی شده، ۵۲ کتاب، مقاله و پایان‌نامه طبق معیارهای زیر به عنوان مرجع پژوهش انتخاب شدند.

- کتاب، مقاله و پایان‌نامه با موضوع نظریات اصلی اجتماع که دارای بیشترین رجاعات بوده‌اند و

- کتاب، مقاله و پایان‌نامه نظریه‌پرداز (نظریه‌پردازان) اصلی اجتماع.

منابع انتخاب شده به شیوه اسنادی بررسی و فیش برداری شده و در چهار حیطه "تعریف و ویژگی‌های اجتماع"، "ریشه نظری نظریه"، "شباهت‌های نظریات" و "تفاوت‌های نظریات" طبقه‌بندی و گونه‌بندی شدند. در نهایت نیز با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، ریشه شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریات شناسایی و تفسیر شدند. گفتنی است که واحد تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، کلمه، پاراگراف، مفهوم و مضمون است. مقوله‌بندی داده‌ها نیز با استفاده از رهیافت قیاسی صورت گرفته است.

۳. نظریات اجتماع

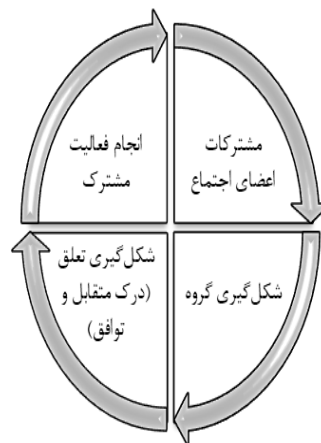
۳.۱. فردیناند تونیس: گماینشافت و گزلسافت^۱

فردیناند تونیس در کتاب گماینشافت و گزلسافت (۱۸۸۷) که به اجتماع و جامعه نیز ترجمه شده، به بیان تقابل اجتماع در جامعه پیش‌صنعتی و جامعه صنعتی می‌پردازد. تونیس اجتماع پیش از صنعتی شدن را گماینشافت (اجتماع) می‌نامد و معتقد است «هر گونه‌ای از همزیستی اجتماعی که مأنوس (آشنا)، آرامش بخش [از لحاظ فیزیکی و روانی] و انحصاری باشد، به اجتماع تعلق دارد» (Tonnies, 2001: 18).^۲ اجتماع از دیدگاه تونیس، بر پایه وحدت و اشتراک شکل می‌گیرد. این اشتراک می‌تواند ریشه خانوادگی داشته باشد یا از فضای مشترک و شباهت کاری و عقیدتی ناشی شود. به باور تونیس، اشتراکات موجود میان اعضای اجتماع، ایجاد کننده حس تعلق است که در درجه نخست از تعلق به افراد ناشی می‌شود و تداوم آن در گرو تداوم فعالیت‌های مشترک اعضا است (تصویر شماره ۱). او این حس تعلق را احساس وابستگی متقابل می‌نامد: «احساس وابستگی متقابل... آن چیزی است که آن را درک متقابل یا توافق (اجماع) می‌نامیم.

1 Gemeinschaft & Gessellschaft

۲ این کتاب به وسیله فردیناند تونیس در سال ۱۸۸۷ نگاشته شده است. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه شده این کتاب به زبان انگلیسی که در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده، استفاده شده است.

این همان نیروی اجتماعی ویژه و حس همنوعی است که افراد را به عنوان اعضای یک کل در کنار یکدیگر نگه می‌دارد. از آنجا که هر چیز غریزی در انسان دارای دلیل و پیش فرض است، می‌توانیم درک متقابل را منطق درونی چنین رابطه‌ای بدانیم» (Tonnies, 2001: 32-33).



تصویر شماره ۱: چرخه شکل‌گیری اجتماع از دید تونیس

(برگرفته از: Tonnies, 2001)

در مقابل این اجتماع، جامعه (گزلشافت) قرار می‌گیرد؛ «گزلشافت (جامعه) به معنای زندگی در عرصه عمومی، در جهان خارج است. ... جامعه چیزی سطحی و زودگذر است» (Tonnies, 2001: 18-19). ارتباط در گزلشافت «ارتباطی است که ماهیتاً قراردادی است، تعمداً به وسیله افرادی که دریافته‌اند ادامه زندگی و حفظ منافعشان در انزوا به طور مؤثر امکان‌پذیر نیست و باید با دیگران باشند، برقرار می‌شود» (Pappenheim, 2008: 13-14). به عبارت دیگر، از دید تونیس، عقلانیت ابزاری، منطق پشتیبان شکل‌گیری جامعه در دنیای مدرن است.

«تونیس معتقد است که فرآیند شهری شدن و صنعتی شدن به ویرانی گماینشافت می‌انجامد و نتیجه آن ویرانی اجتماع سنتی، امنیت و صمیمیت خواهد بود» (Fernback & Thompson, 1995). به عبارت دیگر، تونیس اجتماع را روستایی و جامعه را شهری می‌داند. به باور او در شهر زمینه شکل‌گیری اجتماع فراهم نیست و از این رونمی‌توان به اجتماع در شهر دست یافت.

۳،۲. امیل دورکیم: همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیک

امیل دورکیم از طریق مقایسه شهر قرون وسطی و شهر صنعتی به بیان نظریه همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیک می‌پردازد. «نظریه کلان دورکیم متضمن توجه به دگرگونی تاریخی از جوامع مکانیکی بدوی تریه جوامع ارگانیک مدرن تراست. آنچه این دونوع جامعه را متمایز می‌کند، منشأ همبستگی‌شان یا آن چیزی است که آنها را یکپارچه و منسجم می‌کند. نکته اساسی در اینجا تقسیم کار است. در همبستگی مکانیکی، جامعه به این دلیل یکپارچه است که همه اساساً کارهای یکسانی (جمع‌آوری میوه و سبزی و شکار حیوانات) انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، در جامعه بدوی تقسیم کار کمی وجود دارد و این امر جامعه را یکپارچه می‌کند.

ولی در همبستگی ارگانیک مدرن‌تر تقسیم کار قابل توجهی روی داده و مردم به تدریج وظایف هر چه بیشتر تخصصی را انجام می‌دهند. ... همبستگی در اینجا از تفاوت‌ها پدید می‌آید؛ یعنی افراد برای آن که کار کنند و حتی بقا یابند به کمک تعداد فزاینده‌ای از مردم نیاز دارند» (Ritzer, 2007: 46-47). بنابراین این اجتماع «جامعه‌ای است که بر پایه همگرایی عناصر آن از اختلاف به همکاری استوار شده و از این روی یک کل هماهنگ و پیچیده است» (Cohen, 2010: 35-36). او همبستگی را که این اجتماع را ایجاد می‌کند، ارگانیک می‌نامد؛ «زیرا ابزاری برای دستیابی به یکپارچگی در شرایط تمایزهای متعدد اجتماعی است. همبستگی ارگانیک اساس شکل‌گیری اجتماع جدیدی را فراهم می‌کند که بیان‌کننده گونه‌های انتزاعی‌تری از موجودیت جمعی است. در جوامع اولیه، این موجودیت جمعی عموماً از طریق مذهب تعریف می‌شد، اما در جامعه مدرن دلایل شکل‌گیری این موجودیت به دلیل تمایزات اجتماعی، انتزاعی‌تر و کثرت‌گرایانه‌تر است» (Delanty, 2003: 38).

۳،۳. اجتماع شهری مکتب شیکاگو

در مکتب شیکاگو است که مفهوم اجتماع شهری^۱ برای نخستین بار مطرح می‌شود. تا پیش از این زمان، تحت تأثیر دیدگاه تونیس، اجتماع مختص محیط روستایی و جامعه مختص محیط شهری در نظر گرفته می‌شد. اما تحلیل اندیشمندان مکتب شیکاگو به ویژه پارک و ورت نشان داد که اجتماع در شهر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. با این حال، اجتماع شهری تفاوت‌هایی با اجتماع روستایی پیش از انقلاب صنعتی دارد؛ اجتماعات شهری نه براساس اراده طبیعی و خواست قلبی اعضای آن که براساس تقسیم کاری که ناشی از صنعتی شدن است، شکل می‌گیرند. به این معنا که افراد براساس موقعیت شغلی خود در محدوده مشخصی از شهر ساکن می‌شوند. این افراد که از لحاظ اقتصادی در یک طبقه قرار می‌گیرند، به تدریج براساس همگنی‌هایی چون نژاد و قومیت به یکدیگر نزدیک‌تر شده و اجتماعاتی را تشکیل می‌دهند که در مکتب شیکاگو اجتماع شهری نامیده می‌شود.

در مکتب شیکاگو بر محیط فیزیکی، ویژگی‌های آن همچون جمعیت و تراکم و تأثیر آن بر روابط در اجتماع شهری پرداخته می‌شود. اجتماعات مورد نظر مکتب شیکاگو دارای مرزهای فیزیکی و ذهنی مشخص هستند، به طوری که جامعه‌شناسان به شهرها به عنوان مجموعه اجتماعات می‌نگرند. اجتماعاتی که هر کدام دنیاها و ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی خود را دارند. بنابراین اجتماع در مکتب شیکاگو «گروه‌های نسبتاً کوچکی، همچون محله در نظر گرفته می‌شود که براساس وابستگی متقابل و سبک‌های مشابه زندگی شکل گرفته‌اند. این اجتماعات ممکن است بسیار کوچک باشند و براساس تعلق شکل گرفته باشند که ناشی از تجارب مشترک، زبان مشترک، پیوندهای خویشاوندی و مهم‌تر از همه، سکونت در زیست-جهان فضایی مشترک است» (Delanty, 2003: 55). «دیدگاه مکتب شیکاگو تا دهه ۱۹۵۰، رویکرد اصلی پژوهش و نظریه اجتماع بود» (Lyon, 2012: 22).

تغییر شرایط اجتماعی جهان و به تبع آن شهرها که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ به وقوع پیوست، باعث شد که دیدگاه‌های پیشین در تحلیل اجتماع دیگر کارآمد نباشد. یکی از این تغییرات گسترش سیستم‌های حمل و نقل و وسایل ارتباطی و کم‌رنگ شدن نقش مکان در اجتماعات بر اثر به کارگیری این تکنولوژی‌های جدید بود. بر این اساس ملوین وبر در سال ۱۹۶۴ اصطلاح «اجتماع بدون قربت مکانی»^۱ را مطرح کرد. ملوین وبر به بحث در این رابطه می‌پردازد که در شرایط کنونی (شرایط دهه ۱۹۶۰ میلادی) «عامل اصلی و مؤثر در عضویت در جوامع... نزدیکی محلی نیست، بلکه عملیات مشترک و متقابل است» (Webber, 2011: 95). «این مفهوم از اجتماع، نظر اندیشمندان برنامه‌ریزی را جلب کرد. از دیدگاه آنان این مفهوم در مقایسه با دیدگاهی که اجتماع را محدود به مردمانی می‌دانست که در مرزهای جغرافیای مشخص ساکن بودند، دیدگاهی خلاقانه بود. مقاله او و دیدگاه بسیاری دیگر از اندیشمندان به بحث درباره این موضوع می‌پردازد که لازم است تا مکان از سایر ویژگی‌های اصلی اجتماع، یعنی روابط اجتماعی که مردم را به یکدیگر پیوند می‌زند، جدا شود» (Bradshaw, 2013: 12). از این رو، از نیمه دوم قرن بیستم، دیدگاه‌های غیرمکانی اجتماع مطرح شد. این نظریات را می‌توان در پنج دسته اجتماع شبکه‌ای، اجتماع فرهنگی، اجتماع سیاسی، اجتماع پست مدرن و اجتماع مجازی جا داد.

۳.۴. اجتماع شبکه‌ای

«مسئله اصلی در دیدگاه شبکه به اجتماع، روابط است و واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند» (Wellman, 1988: 82). بر این اساس «تحلیل شبکه‌ای اجتماع در مرحله نخست به دنبال شناسایی ارتباط‌های اجتماعی و جریان منابع است. پس از این مرحله است که توزیع فضایی و احساس همبستگی ارتباطات شناسایی می‌شوند. چنین رویکردی، مطالعه اجتماع را از بنیان‌های هنجاری و فضایی رها می‌کند و اجتماعات شبکه محوری را کشف می‌کند که به محله‌ای خاص یا مجموعه‌ای از احساسات همبسته محدود نیستند. این اجتماعات می‌توانند اجتماعاتی روستا-شهری^۲ (Gans, 1962) یا اجتماعاتی بدون قربت مکانی باشند» (Wellman & Leighton, 1979: 367). «به باور تحلیلگران شبکه باید به جای درک اجتماع به عنوان یک محله، اجتماع را به صورت اجتماع شخصی^۳ (شبکه‌ای از پیوندها) درک کرد» (Wellman, 1982: 3). اجتماع شخصی، «مجموعه‌ای از پیوندهای شخصی یک فرد با دوستان، همسایگان، اقوام، و همکارانش» (Wellman & Wetherell, 1996: 102-103) است. «در این اجتماعات، هر شهرنشین یک شرکت کننده در اجتماعی است که به وسیله پیوندهای موجود بین او و دیگران ایجاد شده است. این که تا چه حد این پیوندها محله‌ای هستند، یک مسئله تجربی است که نمی‌تواند فرض گرفته شود.

- 1 Community without Propinquity
- 2 Urban village
- 3 Personal community

اجتماعات شخصی شهرنشینان در برگیرنده پیوند با دیگرانی است که در سراسر شهر علائق مشترک دارند و وسایل حمل و نقل و ارتباطات، آنان را قادر می‌سازد که فاصله‌های دور را هم برای حفظ چنین پیوندهایی طی کنند» (Bastani, 2008: 71). در سال‌های اخیر، اندیشمندان دیگری نیز با تکیه بر دیدگاه شبکه‌ای به تعریف اجتماع پرداخته‌اند و مفهوم اجتماع شبکه‌ای^۴ را مطرح کرده‌اند. از دید پیسلی اجتماع «شبکه‌ای از روابط اجتماعی معنی دار با دوستان، همسایگان، اقوام و همکارانی است که لزوماً به یک واحد سکونت‌ی تعلق ندارند» (Piselli, 2007: 867). برادشاو نیز مفهوم «اجتماع فرامکانی»^۵ را مطرح می‌کند: «اجتماع را می‌توانیم شبکه‌هایی از مردم تعریف کنیم که به واسطه همبستگی، هویت مشترک و مجموعه‌ای از هنجارها با یکدیگر پیوند خورده‌اند که ضرورتاً ریشه در یک مکان ندارد. این مفهوم فرامکانی از اجتماع به شناسایی این واقعیت کمک می‌کند که اگرچه شهرها و حومه‌ها دارای درگیری‌های مطرح شده در اجتماع به مفهوم کلاسیک آن نیستند، افراد توانسته‌اند همبستگی را از طریق شبکه‌های جهانی به دست آورند که شباهت بسیاری به همبستگی مطرح شده در اجتماع به مفهوم کلاسیک آن دارد» (Bradshaw, 2008: 5).

۳.۵. اجتماع فرهنگی

اجتماع فرهنگی ریشه در مفهوم اجتماع نمادین دارد. در دیدگاه نمادین «اجتماع گونه‌ای خاص از روابط اجتماعی است که در هر نوع جامعه‌ای وجود دارد و قابل فروکاستن به گروه‌های فضایی خاص و ثابت نیست» (Delanty, 2003: 44). چنین اجتماعی «محصول توانایی‌های ویژه انسان است که از طریق تجربه زندگی در جامعه ایجاد می‌شود» (Turner, 1991: 373). این دیدگاه به وسیله آنتونی کوهن در نظریه ساخت نمادین اجتماع (۱۹۸۷) به کار گرفته شد. آنتونی کوهن در مطالعه اجتماع، بررسی‌های خود را از مرزبندی آغاز می‌کند، زیرا بر این باور است که معنای متمایز اجتماع از مرزبندی ناشی می‌شود. از دیدگاه او، این مرزها نمادین هستند زیرا بر اساس معانی که مردم به آنها می‌دهند، تعریف می‌شوند. از این رو کوهن معتقد است که «اجتماع... نماد مرزبانی [بیان کننده مرز] است. اجتماع، درست مانند یک نماد به وسیله اعضایش به اشتراک گذاشته می‌شود؛ اما معنای آن با جهت‌گیری منحصر به فرد تک‌تک اعضایش نسبت به آن صورت‌های متفاوتی می‌یابد» (Cohen, 2010: 23). بنابراین «ویژگی گوهرین اجتماع این است که اعضای آن معنای مشابهی از امور خلق می‌کنند یا فکر می‌کنند که آن را می‌سازند؛ و نیز آن که اعضای اجتماع گمان می‌کنند که آن معنای رایج در اجتماع آنها با معنای خلق شده در هر جای دیگر فرق می‌کند. بنابراین واقعیت اجتماع در تجربه ذهنی مردم آن در وابستگی یا تعهد آنان به پیکره مشترکی از نمادهاست» (Cohen, 2010: 26). از این رو به باور کوهن، مفهوم اجتماع را نمی‌توان بدون توجه به بافت و زمینه‌ای که این مفهوم در آن به کار برده می‌شود، فهم کرد.

- 4 Network Community
- 5 Post-place community

۳٫۶. اجتماع سیاسی

«تأکید مفهوم اجتماع سیاسی بر شهروندی، جامعه مدنی و هویت جمعی است» (Delanty, 2003: 2). دیدگاه اجتماع سیاسی از ۱۹۸۰ به این سو در نتیجه دیدگاه‌های نئومارکسیستی و اقتصاد سیاسی به شهر در قالب دو جریان عمده اجتماع‌گرایی (جماعت‌گرایی)^۱ و جنبش‌های اجتماعی مطرح شد. از دید اجتماع‌گرایان:

«اجتماع اولاً یک موجودیت است، گروهی از مردم یا یک نهاد یا مجموعه‌ای از نهادها مانند شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها و ثانیاً اجتماع به معنای وجود روابط خاصی میان افراد است که بسیاری از مشترکات مانند مبانی فکری مشترک، معنای مشترک، اهداف مشترک، خیر مشترک و زندگی مشترک را در بر می‌گیرد. روابط در اجتماع هم عینی و هم ذهنی است» (cited in Niakouei, 2008: 265).

بنا بر دیدگاه اجتماع‌گرایان، معنای مشترک از عناصر اصلی و سازنده اجتماع است. با این حال «این که اعضای یک اجتماع سیاسی یکدیگر را به عنوان شهروندانی وفادار بشناسند و هویت آنها بر اساس نهادهای مشترک که ناشی از توافق بر سر اصول عدالت است شکل بگیرد، برای تشکیل اجتماع سیاسی کافی نیست. از دیدگاه آنان، یک اجتماع سیاسی ایده‌آل نیازمند شهروندانی است تا با یکدیگر برای به توافق رسیدن بر سر قوانینی که تنها مربوط به عدالت نیست، همکاری کنند» (Manson, 2001: 96).

اجتماع در نظریه جنبش اجتماعی زمینه لازم برای بسیج اجتماعی را فراهم می‌کند. از دید پیروان جنبش‌های اجتماعی «اجتماع مجموعه‌ای از ارزش‌های موجود نیست که برای یکپارچگی اجتماعی و هویت فرد ضروری است. اجتماع، واقعیتی اساسی نیست بلکه در فرآیندهای واقعی بسیج کردن ساخت می‌یابد. این مفهوم فرآیندی اجتماعی است که بر اساس آن، اجتماع ضمن عمل اجتماعی تعریف می‌شود و ساخت می‌یابد. در این مفهوم، اجتماع، ساکن در ارزش‌ها و ساختارهای هنجاری نیست. ... چنین ساخت‌هایی را می‌توان سیستمی از روابط در نظر گرفت، سیستمی که عمل بقای آن را تضمین می‌کند، نه فرهنگ» (Delanty, 2003: 123).

مفهوم اجتماع سیاسی به وسیله اندیشمندان گوناگون مورد نقد قرار گرفت. اجتماع سیاسی نیازمند دستیابی به سطح بالایی از توافق است. توافقی که در شرایط کثرت‌گرایانه جامعه امروز به آسانی محقق نمی‌شود. جرارد دلانتی معتقد است که «بسیاری از ایرادهای وارد به اجتماع با اتخاذ رویکردی ارتباطی برطرف خواهد شد. از این منظر، مفهوم اجتماع ساخت یافته از ارتباطات^۲ هابرماس می‌تواند جایگزین مناسبی باشد که در آن، یکپارچگی بیشتر از طریق ارتباطات حاصل می‌شود تا از طریق توافقات و اخلاقیات موجود» (Delanty, 2003: 119-120). «مفهوم اجتماع

ارتباطی^۳ به این معناست که روابط اجتماعی در جامعه مدرن پیرامون ارتباطات شکل می‌گیرد نه واسطه‌های دیگری همچون قدرت، موقعیت یا تشریفات مذهبی» (Delanty, 2003: 115). اجتماع ارتباطی از دید هابرماس، اجتماعی است که در عرصه عمومی و بر اساس ارتباط تحریف نشده شکل می‌گیرد.

۳٫۷. اجتماع پست مدرن

«در جامعه پست مدرن، عضویت در گروه آسیب‌پذیرتر از جامعه مدرن است. دسته‌بندی‌های مسلّم قدیمی از جمله طبقه، نژاد، ملیت و جنسیت که پایه و اساس جامعه ناشی از صنعتی شدن بود، در عصر کنونی تعلقات چندگانه به دسته‌بندی‌هایی غیرقطعی تبدیل شده‌اند» (Delanty, 2003: 131). در چنین شرایطی اظهارنظرهای گوناگونی درباره سرنوشت اجتماع صورت گرفته است. در حالی که برخی اندیشمندان همچون هاروی از پایان اجتماع سخن می‌گویند، گروه دیگری هستند که شرایط جدید را به وجود آورنده نوع جدیدی از اجتماع می‌دانند: «اجتماع همچنان وجود دارد اما مفهوم و واقعیت‌های تجربی آن بسیار پیچیده‌تر شده‌اند. گونه‌های دارای حد و مرز و یکپارچه اجتماع که مربوط به روستاها، محله‌های شهری و حتی حومه‌ها بود، دیگر با ساختاری اجتماعی که تحت تأثیر الگوهای پیچیده‌ای از تحرک، مهاجرت و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی است که ارتباط فراتر از فضا و زمان را امکان‌پذیر می‌کنند، همخوانی ندارد» (Friedland, 2001: 364). در شرایط پست مدرن، نوع جدیدی از اجتماع ظهور کرده است. از دیدگاه دریدا در اجتماع پست مدرن «تمامی تفاوت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و تمامی مخالفت‌ها از بین می‌روند. ... این اندیشمندان مرکزیت فردیت [در مفهوم اجتماع] را رد می‌کنند و اجتماع را چیزی می‌دانند که نه فردگرا است و نه جمعی بلکه بر اشتراک‌گذاری بنیان شده است» (Delanty, 2003: 138). «ویژگی این اجتماع، گذار از هویت به تفاوت، از قطعیت به عدم قطعیت، اجتماعی فراتر از وحدت، از اجتماعات بسته به باز. ... اجتماعات پست مدرن، کوچک‌نشین، به شدت پویا، عاطفی و ارتباطی هستند. فرهنگ توده، اقدامات و احساسات زیبایی این اجتماعات ارتباطی را پایدار می‌کند نه درگیری نمادین میان خویش و دیگری» (Delanty, 2003: 132). از این رو، این اجتماع را می‌توان ترکیبی از مفهوم اجتماع ارتباطی هابرماس، اجتماع شبکه‌ای و اجتماع نمادین کوهن دانست.

۳٫۸. اجتماع مجازی

با همه‌گیر شدن استفاده از کامپیوتر و اینترنت، مفهوم اجتماع مجازی^۴ متولد شد. هاوارد رینگلد، نخستین بار واژه اجتماع مجازی را در کتاب «اجتماع مجازی: زندگی در قلمرو الکترونیک» (۱۹۹۳) به کار برد: «اجتماع مجازی توده‌ای اجتماعی است که برآمده از اینترنت است. تعداد افرادی کافی، بحثی را برای مدتی طولانی در آن دنبال می‌کنند که احساسات انسانی در آن بحث جریان دارد.

3 communication community

4 Virtual Communities

۱ Communitarianism: «در طول دهه ۱۹۸۰ گروهی از افراد، در واکنش به ضعف‌های نئولیبرالیسم، اقدام به چاپ مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقالاتی در باب اجتماع کردند که بعدها به اجتماع‌گرایان معروف شدند» (Manson 2001: 2). «به طور کلی برای اجتماع‌گرایان، اجتماع در پیوند با تفسیرگرایی معنا می‌یابد» (Niakouei, 2008: 267).

2 communicatively constituted community

[در این شرایط] شبکه‌هایی از روابط فردی در فضای مجازی شکل می‌گیرد» (Rheingold, 1993: 5). «مردم در اجتماع مجازی دقیقاً همان کارهایی را می‌کنند که در زندگی واقعی انجام می‌دهند، اما جسم ماکتار گذاشته می‌شود» (Rheingold, 1993: 4). «اجتماعات مجازی، مکان‌هایی هستند که مردم در آنجا با یکدیگر ملاقات می‌کنند... در اجتماعات سنتی، مردم مدل ذهنی قوی از حس مکان (اتاق، روستا یا شهری که تعاملات در آن اتفاق می‌افتد) دارند. در اجتماعات مجازی، حس مکان وابسته به تخیل فردی است. ... اجتماعات مجازی برای این که مورد استفاده قرار گیرند نیازمند تخیل و تصویرسازی هستند... آنچه باید تصویرسازی شود، خود مفهوم اجتماع است» (Rheingold, 1993: 18-26). چنین اجتماعی از دید او «پتانسیل‌های بسیاری برای آزادی‌های سیاسی فراهم می‌کند و تغییراتی در تجربه افراد از اجتماعات در دنیای واقعی ایجاد می‌کند» (Rheingold, 1993). این دیدگاه اجتماع مجازی را فراتر از اجتماع واقعی و کاملاً متفاوت با آن در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، دنیای مجازی، درون اجتماع و دنیای واقعی بیرون از اجتماع است. بنابراین دنیای واقعی و دنیای مجازی در نقطه مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. اینترنت، قلمرو اجتماع مجازی است و ورود به این قلمرو مشروط به دسترسی به شبکه اینترنت و اختیار فرد است.

در مقابل این تفکر، گروه دیگری از اندیشمندان هستند که اجتماع مجازی را مکمل اجتماع در دنیای واقعی می‌دانند. از دیدگاه این اندیشمندان، روابط اجتماعی در فضای سایبری، شکل تکامل یافته روابط اجتماعی در دنیای عینی است و اجتماع مجازی مکمل اجتماع در جهان واقعی است. ریموند بارگلو اذعان می‌کند که «سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌سازی، قدرت انسانی سازمان و انسجام را افزایش می‌دهند» (cited in Castells, 2001: 49). «والمسلی (۲۰۰۰: ۶) بر این باور است که «فضای سایبری امکان برقراری ارتباط میان افراد و گروه‌های جدا از یکدیگر از لحاظ جغرافیایی را به آسانی و به ارزانی فراهم می‌کند». وکلوند و اینس (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهند «اجتماع آنلاین با ایجاد فرصت‌های تعامل در فضاهای موجود، زمینه‌های حمایت و حضور اجتماعی شامل توانایی مشارکت (سهیم شدن) برای شناسایی مسائل اجتماعی با دیگران (اجتماع) و ارتباط هدفمند در یک محیط با اعتماد (مطمئن) و توسعه ارتباطات میان فردی را فراهم می‌آورد» (Cited in Ebrahimabadi, 2014: 87).

۴. یافته‌ها و بحث

مقایسه مفهوم و ویژگی‌های اجتماع در نظریات گوناگون، نشان دهنده وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان مفاهیم ارائه شده است (جدول ۱). این شباهت‌ها و تفاوت‌ها ریشه در عوامل زیر دارد:

- بنیان‌ها و ریشه‌های نظری هر نظریه،
- پارادایم و رویکرد غالب در هر نظریه و
- تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان.

۴.۱. عامل نخست: بنیان‌ها و ریشه‌های نظری هر نظریه

بررسی بنیان‌های هر نظریه نشان می‌دهد که شباهت‌های موجود میان نظریات در درجه نخست از ریشه داشتن آنها در

علمی مشترک همچون زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و... ناشی می‌شود (تصویر شماره ۲).

علاوه بر این بسیاری از نظریات به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر پایه نظریات پیشین تدوین شده‌اند. همانگونه که نمودار تبارشناسی نظریات اجتماع نشان می‌دهد، بسیاری از نظریات، حتی نظریات متأخر، به طور غیرمستقیم تحت تأثیر نظریه گماینشافت و گزلشافت تونیس هستند. از این روست که عناصر اصلی چرخه شکل‌گیری اجتماع تقریباً در تمامی نظریات، همان عناصری است که تونیس در نظریه گماینشافت و گزلشافت مطرح می‌کند. تونیس شکل‌گیری گروه، به عنوان عنصر اولیه اجتماع را ناشی از اشتراکات (قومی، خویشاوندی، جغرافیایی و...) اعضای آن می‌داند. این نقاط مشترک، حس تعلق اعضای گروه به یکدیگر، یا به تعبیر تونیس، درک متقابل و توافق را ایجاد می‌کند که خود عامل انجام فعالیت مشترکی است که زمینه افزایش پیوندهای مشترک و انباشت حس تعلق (درک متقابل) در گروه را فراهم می‌کند. عناصر این چرخه در نظریات اجتماع شهری، اجتماع فرهنگی، اجتماع سیاسی، اجتماع شبکه‌ای، اجتماع ارتباطی، اجتماع پست‌مدرن و حتی اجتماع مجازی نیز وجود دارند. تفاوت اصلی میان چرخه‌های مطرح شده در نظریات گوناگون با چرخه توصیف شده به وسیله تونیس در موارد زیر است:

- اشتراکاتی که مبنای شکل‌گیری گروه است: اگرچه تونیس، روابط قومی، خویشاوندی، جغرافیایی و... را عامل شکل‌گیری گروه می‌داند، در نظریات پس از تونیس عواملی چون سود و منفعت شخصی، روابط ناشی از تقسیم کار اجتماعی و ارتباط، مبنای شکل‌گیری گروه در نظر گرفته می‌شوند.
- ظرف شکل‌گیری گروه و اجتماع: ظرف شکل‌گیری گروه و اجتماع از دید اکثر نظریه‌پردازان تا پیش از نیمه دوم قرن بیستم، مکان و محدوده جغرافیایی است. با کم‌رنگ شدن نقش محدوده جغرافیایی بر اثر گسترش حمل‌ونقل و ارتباطات در نیمه دوم قرن بیستم، نظریاتی ارائه می‌شود که شبکه و ارتباط را بستر کشف نقاط مشترک و شکل‌گیری گروه و اجتماع می‌داند.
- تعریف نظریات از عناصر گوناگون چرخه و نحوه شکل‌گیری آنها: عناصر گوناگون چرخه شامل اشتراکات، شکل‌گیری گروه، شکل‌گیری حس تعلق (درک متقابل و توافق) و انجام فعالیت مشترک، مفهوم متفاوتی برای نظریه‌پردازان گوناگون دارند. مثلاً فعالیت مشترک مورد نظر اجتماع فرهنگی، فعالیتی است که از سیستم معنایی مشترک ناشی شده باشد، در حالی که فعالیت مشترک مد نظر اجتماع سیاسی، فعالیتی در راستای دستیابی به اهداف جامعه مدنی و حقوق شهروندی است.
- ترتیب قرارگیری عناصر در چرخه: ترتیب قرارگیری عناصر در بی یکدیگر از دیگر موضوعاتی است که در مورد آن اتفاق نظر وجود ندارد. به عنوان مثال، اگرچه تونیس شکل‌گیری درک متقابل و توافق را مقدم بر انجام فعالیت مشترک می‌داند، از دیدگاه بیرون اجتماع سیاسی و به طور خاص اجتماع ارتباطی، انجام کنش متقابل و فعالیت مشترک، مقدم بر شکل‌گیری درک متقابل و توافق در چرخه شکل‌گیری اجتماع است.

جدول شماره ۱۰: ویژگی‌های اجتماع در نظریات گوناگون

ردیف	نظریات اجتماع	ویژگی‌های اجتماع در نظریه مورد نظر
۱	گماینشافت و گزلفاشفت فردیناند تونیس	شکل‌گیری بر مبنای اشتراکات و پیوندهای مبتنی بر روابط خانوادگی، موقعیت جغرافیایی مشترک، باورهای مشترک / دارای قلمروی انحصاری فیزیکی، ذهنی یا هر دو / دارای حس تعلق (اولویت تعلق ذهنی به تعلق مکانی)
۲	وحدت مکانیکی و ارگانیک دورکیم	شکل‌گیری بر مبنای سود و منافع شخصی / تعمیم اصول تقسیم کار بر روابط
۳	اجتماع شهری مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو	شکل‌گیری پیوندهای اجتماع بر مبنای شباهت افراد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، ارزش‌های مربوط به سیاست، اقتصاد، خانواده و مذهب
۴	اجتماع بدون قرابت مکانی ملوبین وبر	شکل‌گیری پیوندهای اجتماع بر مبنای تفاوت‌ها (تقسیم کار اجتماعی) / شکل‌گیری اجتماع بر مبنای منافع و مهارت‌ها
۵	اجتماع [شبکه] شخصی (فردی) بری ولمن	اندازه جمعیتی / دارای قلمرو فیزیکی انحصاری (مرزهای فیزیکی و ذهنی مشخص) // روابط متقابل افراد با یکدیگر / وحدت اخلاقی و کارکردی اعضای یک اجتماع / دارای ارزش‌ها و هنجارهای مخصوص خود / شکل‌گیری وحدت بر مبنای فرآیندهای طبیعی / انسجام درونی اعضای اجتماع با یکدیگر بر مبنای شباهت اعضای جامعه با یکدیگر / انحصاری بودن اجتماع / پیوندهای اجتماعی مبتنی بر منافع فردی
۶	اجتماع نمادین آنتونی کوهن	عامل شکل‌گیری اجتماع و عضویت در جوامع: عملیات مشترک و متقابل / مکان، جزو ویژگی‌های اصلی اجتماع نیست. / از بین رفتن اهمیت "دسترسی داشتن" و "نزدیکی فضایی" برای ادامه حیات اجتماع
۷	نظریه اجتماع گرایی (جماعت گرایی)	مجموعه‌ای از پیوندهای شخصی یک فرد (با دوستان، همکاران، اقوام، همسایگان و ...) / ویژگی‌های اصلی اجتماع به ویژگی پیوندهایی که اجتماع براساس آن شکل گرفته بستگی دارد. / پیوندها و اجتماع می‌تواند محلی یا غیر محلی باشد. / پیوندها و اجتماع به ندرت دارای مرز تعریف شده هستند و مرزهای غیرقطعی دارند. / ساختار شبکه‌ای اجتماع
۸	اجتماع در جنبش‌های اجتماعی جدید	دارای مرز فیزیکی، قانونی، ذهنی / دارای سیستم معنایی انحصاری خود بر مبنای تعامل اعضا با یکدیگر / تعهد اعضا به پیکره مشترکی از نمادها / بافت و زمینه به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار بر ویژگی‌های اجتماع / شکل‌گیری اجتماع براساس کنش متقابل افراد با یکدیگر
۹	اجتماع ساخت یافته از ارتباطات هابرماس	شکل‌گیری اجتماع براساس مجموعه‌ای از تعاملات میان مردم / شکل‌گیری تعاملات بر مبنای منافع مشترک، تاریخ مشترک، مبنای فکری مشترک، معانی مشترک، اهداف مشترک و ... / دارای ساختار شبکه‌ای / دارای مرز و قلمرو عموماً ذهنی / توجه به مکان و قلمرو جغرافیایی با توجه به وابستگی ارزش‌ها، معانی و شیوه زندگی مشترک اعضای اجتماع به محدوده جغرافیایی اجتماع در فرآیندهای بسیج کردن ساخت می‌یابد. / ضمن کنش اجتماعی تعریف می‌شود. / مبنای شکل‌گیری اجتماع: مشارکت مردم در راستای دستیابی به اهداف و منافع مشترک
۱۰	اجتماع پست مدرن	مبنای شکل‌گیری اجتماع: ارتباط تحریف نشده / دارای مرز و قلمرو / قلمرو اجتماع: عرصه عمومی / بقای اجتماع در گرو کنش متقابل مبتنی بر ارتباط تحریف نشده
۱۱	اجتماع مجازی	شکل‌گیری اجتماع بر مبنای به اشتراک گذاشتن (هم‌رسانی) / انعطاف‌پذیر، باز و تعاملی / دارای ماهیت ارتباطی دارای ساختار شبکه‌ای / مبنای شکل‌گیری: ارتباط / مبنای برقراری ارتباط: اشتراکات (مذهب، قومیت، نژاد، پیشینه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، روابط خونی، اهداف مشترک، شغل و منافع) / تداوم ارتباطات دنیای واقعی / دارای قلمرو ذهنی



تصویر شماره ۲: نمودار تبارشناسی ایده اجتماع

4.2. عامل دوم: پارادایم و رویکرد غالب در هر نظریه

تعدد نظریات ارائه شده در خصوص اجتماع و تأکید هر نظریه بر عنصری خاص از رویکردهای متعددی ناشی می‌شود که در مطالعه اجتماع وجود دارد و هر یک دیدگاه‌های پارادایمی موجود در جامعه‌شناسی را بازتاب می‌دهند. بر این اساس، لیون چهار رویکرد کلی در مطالعه اجتماع را شناسایی می‌کند: رویکرد گونه‌شناختی^۱، رویکرد اکولوژیک، رویکرد نظریه سیستم‌ها و رویکرد نظریه تضاد. از دیدگاه لیون هر یک از این رویکردها بر عناصر به خصوصی در تعریف اجتماع تأکید می‌کنند و پرسش‌های مشخصی را در رابطه با اجتماع پاسخ می‌گویند (جدول شماره ۲).

«در رویکرد گونه‌شناختی، معمولاً دو گونه آرمانی از اجتماع مطرح می‌شوند و هیچ جایی را نمی‌توان یافت که دارای تمامی ویژگی‌های گونه‌های آرمانی مورد نظر باشد. در عوض، تمامی سازمان‌های انسانی جایی میان دو سرطیف قرار گرفته‌اند. رویکرد گونه‌شناختی پتانسیل تبیین تغییر به ویژه تغییر بی‌درمینه سبک زندگی افراد بر اثر مدرن شدن جامعه و حرکت به سمت گزلفاشفت اتفاق می‌افتد را دارد. مطالعه در زمینه روابط گروه‌های اولیه، همسایگی و احراز هویت همسایگی از دیگر موضوعاتی است که زیرمجموعه رویکرد گونه‌شناختی قرار می‌گیرد» (Lyon, 2012: 77-81).

«در رویکرد اکولوژیک تأکید بر مردمانی است که در محدوده جغرافیایی خاصی زندگی می‌کنند. این دیدگاه بر روابط میان مردم و محیط فیزیکی و الگوهای فضایی ناشی از آن متمرکز می‌شود. بنابراین دوران انتظار نیست، اندیشمندانی که رویکرد اکولوژیک به اجتماع را به کار می‌گیرند، اجتماع را به عنوان کلیتی با قلمرو ویژه تعریف می‌کنند. سئوال‌ات تکنیکی در رابطه با مکانیابی شهری، رشد جمعیت، تراکم و کاربری زمین به بهترین شکل از طریق رویکرد اکولوژیک قابل بررسی هستند» (Lyon, 2012: 77-88). «تعریف اجتماع با تأکید بر روابط اجتماعی مربوط به نظریه سیستم‌هاست.

رویکرد نظریه سیستم‌ها را می‌توان برای مطالعه مهم‌ترین مسائل اجتماع در جامعه‌شناسی هدایت کرد: قدرت اجتماع، روابط میان فردی و توسعه اجتماع. رویکرد نظریه سیستم‌ها در مطالعه توسعه اجتماع بر این نکته تمرکز می‌کند که پیوندهای میان فردی چه میزان مبتنی بر محلیت هستند. نظریه سیستم‌ها این امکان را فراهم می‌کند که به این پرسش پاسخ دهیم که اجتماع چیست و چه اقداماتی آن را تقویت می‌کند» (Lyon, 2012: 77-88). «نظریه تضاد بر تضاد ساختاری تأکید دارد. نظریه پردازان تضاد چنین سئوالاتی را مطرح می‌کنند: از نزاع بین گروه‌های در حال تضاد که هر کدام به دنبال منافع خود هستند، الگوهای فعلی چگونه ظهور کرده‌اند؟ گروه‌ها و طبقات مسلط چگونه به امتیازات ویژه نایل شده و آنها را حفظ کرده‌اند؟ آنها چگونه نهادها و سازمان‌های اجتماعی از قبیل مدارس، کلیساها، مساجد، وسایل ارتباط جمعی و غیره را به منظور حفظ امتیازات خود اداره می‌کنند؟ چه کسی از ترتیبات فعلی اجتماعی سود می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند؟ جامعه چگونه می‌تواند عادلانه‌تر و انسانی‌تر گردد؟ جامعه با وجود تضادهایش، چگونه توانسته به تعادل دست یابد؟ عوامل مؤثر در ایجاد تعادل کدامند؟» (Azad Armaki, 2007: 23). نظریه تضاد را می‌توان کاربرد رویکرد نئومارکسیستی در مطالعه اجتماع دانست. بر این اساس، نظریات و تعاریف گوناگون اجتماع به خوبی در چارچوب رویکردهای گوناگون به اجتماع قرار می‌گیرند. گماینشافت و گزلفاشفت تونیس و وحدت مکانیکی و ارگانیک دورکیم زیرمجموعه رویکرد گونه‌شناختی، اجتماع شهری مکتب شیکاگو و اجتماع نمادین کوهن زیرمجموعه رویکرد اکولوژیک، اجتماع شبکه‌ای زیرمجموعه رویکرد نظریه سیستم‌ها و اجتماع سیاسی زیرمجموعه رویکرد نظریه تضاد قرار می‌گیرند. با این حال، برخی تعاریف و نظریات اجتماع حاصل ترکیب چند رویکرد به طور همزمان هستند (تصویر شماره ۳).

۹۵

شماره سی و پنج

تابستان ۱۳۹۹

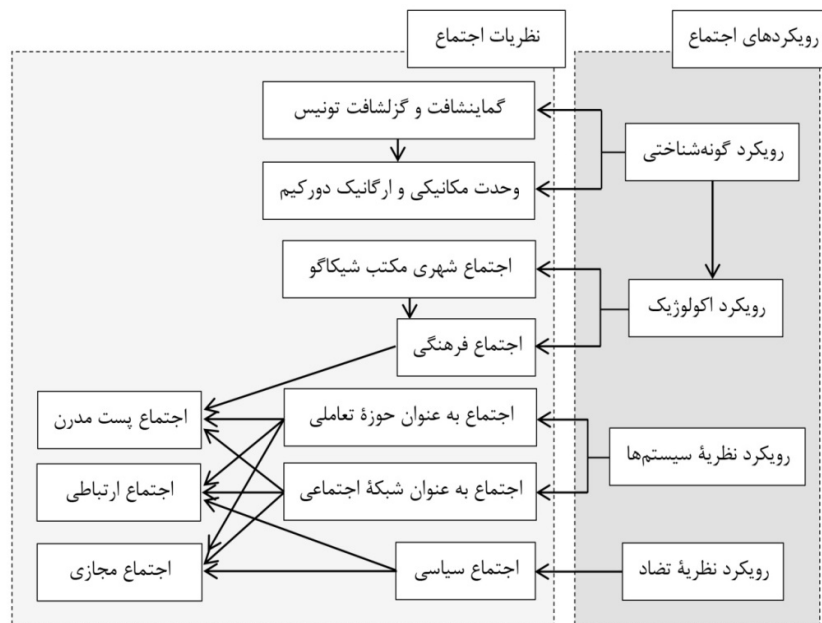
فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

مفهوم اجتماع [محل] در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری: ملاحظات کاربست نظریه‌ها در برنامه‌ریزی شهری

جدول شماره ۲: اجتماع در رویکردهای گوناگون جامعه‌شناسی (adapted from Lyon, 2012)

رویکرد	نظریات	تأکید اصلی در تعریف اجتماع	کاربرد رویکرد در مطالعه اجتماع
تیپولوژیک (گونه‌شناختی)	- گماینشافت و گزلفاشفت تونیس - وحدت مکانیکی و ارگانیک دورکیم	- پیوندهای اجتماعی مشترک - مردمانی که با یکدیگر تعامل می‌کنند، در احراز هویت یکدیگر نقش دارند - اهمیت بهبود و افول این پیوندها	- تبیین تغییر وضعیت جامعه از گماینشافت و گزلفاشفت و میزان برخورداری جامعه از ویژگی‌های هر یک - مطالعه روابط گروه‌های اولیه و گروه‌های همسایگی
اکولوژیک (زیست‌شناختی)	- اجتماع شهری مکتب شیکاگو - اجتماع فرهنگی	- روابط مردم و محیط فیزیکی و الگوهای فضایی مربوط به آن - تمرکز بر محیط فیزیکی - برخورداری از قلمرو ویژه	- شناسایی چگونگی پیوند الگوهای فضایی با رویدادهای اجتماعی در اجتماع
نظریه سیستم‌ها	- اجتماع به عنوان حوزه تعامل - اجتماع به عنوان شبکه اجتماعی	- تأکید بر روابط اجتماعی و زمینه تعاملی - استفاده از تحلیل شبکه اجتماعی - مبتنی بر سطح و گونه تعاملی	- پاسخ به این پرسش که اجتماع چیست و چه اقداماتی آن را تقویت می‌کند؟ - میزان مبتنی بودن پیوندهای میان فردی به موقعیت محلی - مطالعه قدرت اجتماع، روابط میان فردی و توسعه اجتماع
نظریه تضاد	- اجتماع سیاسی	- تمرکز بر تحلیل‌های ملی در مطالعه اجتماع - اجتماع به عنوان فرآیندی برای مقابله با جریان‌های غالب اقتصادی و سیاسی	- مطالعه بحران‌های مالیاتی شدید در شهرها - مطالعات اجتماع در مقیاس ملی



تصویر شماره ۳: اجتماع در رویکردهای گوناگون جامعه‌شناسی

اجتماع محور به دلیل نیاز به حمایت شدن و جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی غیررسمی و دسته‌بندی‌های اکولوژیکی [مردم] در نواحی مسکونی و شغلی همگن در سیستم‌های اجتماعی بوروکراتیک صنعتی نیز تداوم یافته‌اند. پیروان این دیدگاه معتقدند که عضویت در شبکه‌های اجتماعی متعدد در محدوده‌های شهری معاصر نیز اتفاق می‌افتد و بسیاری از این شبکه‌ها، شرایطی برای ایجاد همبستگی فراهم می‌کنند» (Wellman, 1979: 1205). بنابراین به تدریج مفهوم جدیدی از اجتماع شکل گرفت و جایگزین اجتماع در مفهوم گماینشافت آن (اجتماع پیش از انقلاب صنعتی) شد. مفهوم اجتماع تا میان قرن بیستم وابستگی شدید به مکان دارد. اعضای اجتماع، مشترکات بسیاری با یکدیگر دارند که این مشترکات محصول شباهت آنان در باورها، عقاید، محل زندگی، طبقه اجتماعی، مذهب و ... است. از نیمه قرن بیستم به بعد، با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و پیشرفت حمل و نقل، اهمیت مرز جغرافیایی در تعیین شباهت‌ها کمتر شد. بنابراین محلات و شهرهایی به وجود آمدند که ساکنان آنها، شباهت و اشتراکات کمتری در مقایسه با گذشته داشتند. علاوه بر این سرمایه‌داری جهانی باعث بیشتر شدن تفرق اجتماعی شد. بنابراین جهانی شدن، ظهور و گسترش تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی باعث شد اجتماع در معنای پیشین آن روزبه‌روز ضعیف‌تر شود. در چنین شرایطی برخی از اندیشمندان از مرگ اجتماع سخن گفتند، در حالی که برخی دیگر مفهوم جدیدی از اجتماع را در تطابق با شرایط روز جهان مطرح کردند. این مفهوم جدید که ولمن آن را دیدگاه "اجتماع آزادشده"^۳ می‌نامد، «از اواخر دهه ۱۹۶۰ گسترش یافته و مورد آزمون قرار گرفته است. دیدگاه آزاد شده، محدوده محلی را نقطه آغاز مطالعه خود در نظر نمی‌گیرد و مستقیماً بر ساختار پیوندهای اولیه متمرکز می‌شود. بحث اجتماع

۴.۳. عامل سوم: تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان

شکل‌گیری تفکرات گوناگون در زمینه سیاست، مذهب، اقتصاد و رواج سبک‌های گوناگون زندگی (براساس تقسیم کار اجتماعی) بر اثر وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان و انقلاب سیاسی در فرانسه، جایگزین شباهت‌های افراد در زمینه‌های گوناگون پیش از انقلاب صنعتی شد. از این رو مفهوم و ماهیت پیشین اجتماع که مبتنی بر اشتراکات موجود در سبک زندگی و موقعیت جغرافیایی افراد بود با چالش جدی روبه‌رو شد. علاوه بر این در این دوران، جامعه، لیبرالیسم کلاسیک را تجربه کرده که در آن «کار دولت در قبال جامعه مدنی و بازار آزاد اقتصادی صرفاً به تضمین امنیت برای فعالیت‌های آزادانه اقتصادی فرد و حراست از حق مالکیت او محدود می‌شود» (Mackenzie et al., 1995, cited in Dehghani, 2013). این امر در کنار ظهور مفهوم فردگرایی باعث می‌شود که مفهوم اجتماع در مقابل جامعه قرار گیرد. از این زمان به بعد دو دیدگاه کلی در خصوص اجتماع مطرح می‌شود: اجتماع از دست‌رفته^۱ و اجتماع حفظ شده^۲.

دیدگاه از بین رفتن اجتماع مدعی می‌شود که «تقسیم کار در جوامع بوروکراتیک صنعتی، همبستگی مبتنی بر اجتماع را ضعیف کرده است. روابط اولیه در شهر هم اکنون، "غیر شخصی (فاقد صمیمیت)، زودگذر و مقطعی" (Wirth, 1938: 12) هستند. شهرنشینان به جای عضویت در یک اجتماع همبسته، اعضای محدود شبکه‌های اجتماعی متعددی هستند که پیوندهای ضعیف و مرزهای گسترده‌ای دارند. این پیوندهای ضعیف و سازمان نیافته به ندرت به کار می‌آیند» (Wellman, 1979: 1204). پیروان دیدگاه "اجتماع حفظ شده" معتقدند که «همبستگی‌های

1 Community Lost

2 Community Saved

3 Community Liberated

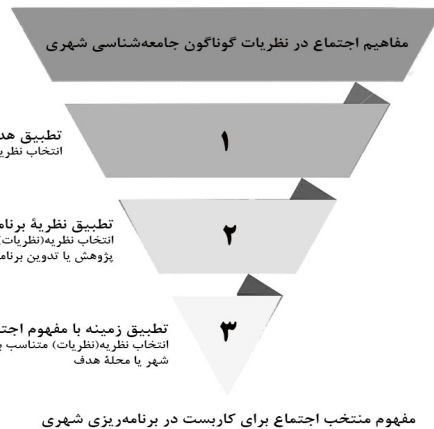
آزاد شده، اهمیت و رواج پیوندهای اولیه را تأیید می‌کند، اما معتقد است که بیشتر پیوندها در حال حاضر به همبستگی‌های قلمرومدار سازمان یافته ختم نمی‌شوند. پیروان این دیدگاه مدعی می‌شوند که پیوندهای اولیه فعلی گرایش به ایجاد ساختارهای منشعب، پراکنده از لحاظ فضایی و همبسته دارند. اگرچه چنین پیوندهایی ممکن است کمتر در خویشاوندی، محل سکونت و کار ریشه داشته باشند، منابع مهمی برای اجتماعی شدن و حمایت هستند. این بحث معتقد است که پیوندهای اولیه، اغلب بین شبکه‌های اجتماعی مرتبط به هم و پراکنده پخش شده‌اند. این شبکه‌ها، از منظر نهادی، روستاهای شهری کامل و متکی به خود نیستند. ساختار پراکنده و شاخه‌شاخه آنها، طیف گسترده‌ای از ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم را در سیستم‌های بوروکراتیک صنعتی ایجاد می‌کند. به دست آوردن منابع به واسطه چنین شبکه‌های پراکنده‌ای ناشی از قوانین نیست. بلکه با کیفیت پیوندهای دوتایی، سهولت حفظ تماس، توانایی اعضای شبکه برای ایجاد ارتباطات غیرمستقیم با منابع دیگر، توانایی اعضای شبکه برای جابه‌جایی و فراهم کردن کمک و ارتباط بین شبکه‌ها در ارتباط است» (Wellman, 1979: 1207). به باور پژوهشگران پیرو تفکر اجتماع آزاد شده، «محله محل تمرکز زندگی مبتنی بر اجتماع نیست. اجتماعات و حمل و نقل مدرن این امکان را برای اجتماعات فراهم کرده‌اند تا از مرزهای مشخص محله‌ها و همبستگی‌های محلی و خویشاوندی فراتر رفته و اجتماعات شبکه‌ای شخصی و

غیر محلی ایجاد شده‌اند» (Wellman & Wetherell, 1996: 107-108). از این روست که بخش قابل توجهی از نظریات اجتماع که از نیمه دوم قرن بیستم به بعد ارائه شده‌اند، مکان محور نیستند.

۵. جمع‌بندی

به منظور پاسخگویی به این پرسش که ملاحظات کاربست نظریات گوناگون اجتماع در برنامه‌ریزی شهری چیست، ابتدا نظریات اصلی اجتماع در جامعه‌شناسی شهری به عنوان خاستگاه اجتماع توصیف شدند. سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های اجتماع در نظریات گوناگون توصیف و ریشه این شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. براساس نتایج این پژوهش، شباهت‌ها و تفاوت‌های اجتماع در نظریات از سه عامل (۱) تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان، (۲) پارادایم و رویکرد غالب در هر نظریه و (۳) بنیان‌ها و ریشه‌های نظری هر نظریه ناشی می‌شود. بر این اساس، کاربست نظریات اجتماع در برنامه‌ریزی شهری نیازمند در نظر گرفتن همزمان سه عامل است (تصویر شماره ۴).

- (۱) هدف از انجام مطالعه یا تدوین برنامه،
- (۲) نظریه برنامه‌ریزی شهری ملاک پژوهش یا تدوین برنامه و
- (۳) زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر یا محله هدف.



تصویر شماره ۴: فرآیند انتخاب مفهوم اجتماع برای کاربست در برنامه‌ریزی شهری

پیوندهایی را ایجاد می‌کند که انتخابی و کمتر مبتنی بر جبر جغرافیایی است. این اجتماع که ناشی از تلاش آگاهانه بشر برای بازتولید اجتماع روستایی در شرایط جدید اجتماعی و اقتصادی است، دارای اندازه جمعیتی مشخص، قلمروی فیزیکی انحصاری، ارزش‌ها و هنجارهای مخصوص خود و وحدت اخلاقی و کارکردی است. بخش قابل توجهی از تعاملات اجتماعی و نیازهای عاطفی و مادی افراد به دلیل محدودیت در جابه‌جایی، داخل مرزهای فیزیکی اجتماع شهری اتفاق می‌افتد.

بر اثر پیشرفت حمل و نقل در نیمه دوم قرن بیستم، اجتماع دوباره دگرگون می‌شود. تعاملاتی که تاکنون داخل مرزهای فیزیکی اجتماع

مطالعه مروری تطبیقی نظریات اجتماع نشان می‌دهد که اجتماع دگرگونی‌های متعددی را از اوایل قرن بیستم تاکنون پشت سر گذاشته است. اجتماع تا پیش از ظهور مدرنیسم، گروهی در نظر گرفته می‌شد که بر مبنای اشتراکات و پیوندهای مبتنی بر روابط خانوادگی، موقعیت جغرافیایی مشترک و باورهای مشترک شکل گرفته و دارای قلمروی انحصاری فیزیکی، ذهنی یا هر دو است. این اجتماع با ظهور مدرنیسم و شکل‌گیری تقسیم کار اجتماعی به اجتماعی تبدیل می‌شود که مبنای تشکیل آن، نه شباهت‌های خونی، قومی و مذهبی، بلکه تقسیم کار اجتماعی است. در چنین شرایطی، بشر آگاهانه برای حفظ موجودیت جمعی خود

شهری روی می‌داد به دلیل سهولت دسترسی به نقاط گوناگون شهر، در سطح شهر پراکنده می‌شود. بنابراین روابط اجتماعی و تأمین نیازهای اعضای اجتماع دیگر محدود به مرزهای اجتماع شهری نیست و از آن فراتر می‌رود. در نتیجه بحث‌های جدیدی درباره مرگ یا دگرگونی اجتماع مطرح می‌شود. تمرکز اصلی بحث‌ها در این دوره، مکان و مرزهای جغرافیایی اجتماع است. مطالعات متعددی در این دوره انجام می‌شود که نشان می‌دهد اجتماع به معنای پیوندهای انحصاری درون مرزهای فیزیکی مشخص دیگر وجود ندارد. از این رو برخی اندیشمندان از مرگ اجتماع سخن می‌گویند. این در حالی است که گروه دیگری از اندیشمندان با مطالعه پیوندهای موجود میان افراد، نوع جدیدی از اجتماع را شناسایی می‌کنند که اگرچه با تعاریف پیشین از اجتماع همخوانی ندارد، همان کارکردی اجتماع در معنای پیشین را دارد. این گروه از اندیشمندان نشان می‌دهند که باور به مرگ اجتماع ناشی از «تأکید مطالعات اجتماع بر محدوده محلی مشترک و همبستگی ناشی از آن» (Wellman & Leighton, 1979: 365) یا یگانگانگاری مفهوم محله و اجتماع است. به عبارت دیگر «زمانی که مرزهای جغرافیایی محله که صرفاً ناشی از تقسیمات اداری نهادهای عمومی برای اداره شهر است چارچوب شکل‌گیری پیوندها و تعاملات در نظر گرفته می‌شود، بخش قابل توجهی از پیوندها از جمله پیوندهای شغلی، نادیده گرفته می‌شوند. از دید این گروه، در دوران حاضر، این مرزهای فیزیکی نیست که محدوده اجتماع را مشخص می‌کند، بلکه گستردگی پیوندهاست که مرز اجتماع را تعیین می‌کند. این مرز می‌تواند کوچکتر از مرزهای جغرافیایی محله، منطبق با آن یا فراتر از آن باشد. بنابراین از دید این گروه، مطالعه اجتماع از مطالعه پیوندهای اجتماعی آغاز می‌شود» (Wellman & Leighton, 1979:366). از این رو نظریات اجتماع در

نیمه دوم قرن بیستم «از دوگانگی فضایی-اجتماعی اجتماع فراتر می‌روند و دیدگاهی تعاملی در این رابطه ایجاد می‌کنند که چگونه جنبه‌های فضایی و اجتماعی با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا فرم‌های در حال ظهور اجتماع را ایجاد کنند» (Dempwolf & Lyles, 2012: 12).

با نزدیک شدن به اواخر قرن بیستم و ظهور و گسترش به کارگیری تکنولوژی‌های ارتباطی، تأکید بر ارتباط و نقش آن در شکل‌گیری اجتماع پررنگ‌تر و اهمیت مرزهای جغرافیایی کمرنگ‌تر می‌شود. اجتماع مجازی را می‌توان محصول این دوران دانست. اجتماعی که فراتر از مکان است و می‌تواند افراد گوناگون را از نقاط مختلف جهان گرد هم آورد. در این اجتماع، روابط تخصصی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر در گذشته تمامی نیازها همچون نیازهای مادی و غیرمادی به واسطه روابط درون اجتماع با مرزهای فیزیکی مشخص برآورده می‌شد، امروزه این نیازها به وسیله عضویت در اجتماعات تخصصی گوناگون (مجازی یا غیرمجازی) که عموماً مرزهای فیزیکی نامشخصی دارند، برآورده می‌شود. بنابراین برقراری ارتباط در اجتماع مجازی می‌تواند ناشی از انواع اشتراکات افراد با یکدیگر باشد. از این رو این اجتماع، انعطاف‌پذیری بالایی دارد و هر یک از مفاهیم موجود در جامعه‌شناسی می‌تواند در چارچوب اجتماع مجازی شکل گرفته و تداوم یابد.

بر این اساس زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر یا محله هدف یکی از عواملی است که باید در کاربردی نظریات اجتماع در برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته شود. تطبیق مفهوم اجتماع در هر نظریه با زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که نظریه در آن ارائه شده نشان می‌دهد که هر نظریه را می‌توان در زمینه‌های (های) مشخصی به کار گرفت (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: نظریات متناسب با زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گوناگون

(adapted from Delanty, 2001 & Papoli Yazdi And Saghai, 2002)

زمینه ارائه نظریه	ویژگی‌های کلی اجتماع در این زمینه	نظریه ارائه شده در هر زمینه	نظریات قابل کاربردی در هر زمینه
سنتی	- شکل‌گیری بر مبنای اشتراکات و پیوندهای مبتنی بر روابط خانوادگی، موقعیت جغرافیایی، باورهای مشترک - سنت‌گرایی - اقتصاد معیشتی و کمترین میزان تقسیم کار	- گماینشافت تونیس - وحدت ارگانیک دورکیم - اجتماع فرهنگی - اجتماع شبکه‌ای - اجتماع مجازی	- گماینشافت تونیس - وحدت ارگانیک دورکیم - اجتماع فرهنگی - اجتماع شبکه‌ای - اجتماع مجازی
مدرن	- شکل‌گیری تقسیم کار اجتماعی - شکل‌گیری پیوندهای اجتماع بر مبنای تفاوت‌ها (تقسیم کار اجتماعی) - سود و منافع شخصی - تعمیم اصول تقسیم کار بر روابط - پیوندهای اجتماعی مبتنی بر منافع فردی - عقلانیت‌گرایی - صنعتی شدن تولید و تولید سرمایه داری	- گزلفشافت تونیس - وحدت ارگانیک دورکیم - اجتماع شهری مکتب شیکاگو - اجتماع شبکه‌ای - اجتماع فرهنگی - اجتماع سیاسی - اجتماع مجازی	- گزلفشافت تونیس - وحدت ارگانیک دورکیم - اجتماع شهری مکتب شیکاگو - اجتماع شبکه‌ای - اجتماع فرهنگی - اجتماع سیاسی - اجتماع مجازی
پسامدرن (پست مدرن)	- تکثرگرایی - الگوهای پیچیده تحرک، مهاجرت و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی - ارتباط فراتر از فضا و زمان افراد با یکدیگر - جهانی شدن سرمایه	- اجتماع شبکه‌ای - اجتماع ارتباطی - اجتماع مجازی	- اجتماع شبکه‌ای - اجتماع ارتباطی - اجتماع مجازی

Community : Contributions to the Debate about the Definition of Community. Journal of the Community Development Society, 39(1), 5–16.

- Bradshaw, T. K. (2013). The Post-Place Community Contributions to the Debate about the Definition of Community. In M. A. Brennan, J. C. Bridger, & T. R. Alter (Eds.), theory, practice and community development (pp. 11–24). New York: Routledge.
- Castells, M. (2001). The Rise of the Network Society. Tehran; Tarh-e-No Publication. [in Persian]
- Cohen, A. (2010). The Symbolic Construction of Community, Tehran; Daneshkade-ye Seda va Sima Publication. [in Persian]
- Delanty, G. (2003). Community. London & New York: Routledge.
- Dempwolf, S., & Lyles, W. (2012). The Uses of Social Network Analysis in Planning : A Review of the Literature. Journal of Planning Literature, 27(1), 3–21.
- Duffy, K., & Hutchinson, J. O. (1997). Urban Policy and the turn to Community. The Town Planning Review, 68(3), 347–362.
- Ebrahimabadi, H. (2014). A Study Of the Relationship Between Information Technology and Changes in Culture and Social Relationships, Iranian Journal of Cultural Research, No, 4, Winter. [in Persian].
- Fernback, J., & Thompson, B. (1995). Virtual Communities: Abort, Retry, Failure? In International Communication Association. Albuquerque, New Mexico.
- Friedland, L. A. (2001). Communication, Community, and Democracy: Toward a Theory of the Communicatively Integrated Community. Communication Research, 28(4), 358–391.
- Lyon, L. (2012). the community in urban society (second Edi). United States of America: Waveland Press.
- Manson, A. (2001). Community, solidarity and belonging: levels of community significance. International Journal of Intercultural Relations, 25(4), 462–466.
- Niakouei, A. (2008). The Problems of Communitarian Politics Unity and Conflicts, Siyasat Journal, No. 4. Winter. [in Persian]

اگرچه نمی‌توان با قطعیت در مورد سنتی، مدرن یا پست‌مدرن بودن یک جامعه، شهر یا محله اظهارنظر کرد، غلبه ویژگی‌های هر یک از جوامع، یکی از عوامل تعیین کننده نظریه منتخب اجتماع خواهد بود. در جوامعی با غلبه ساختارهای مدرن نمی‌توان از نظریاتی استفاده کرد که ویژگی‌های اجتماع در جوامع سنتی را بررسی می‌کنند. چنین مطالعه‌ای به نتایجی از این دست خواهد انجامید که "اجتماع از بین رفته است". به طور کلی بررسی نظریات اجتماع نشان می‌دهد که نظریات اجتماع فرهنگی، شبکه‌ای و مجازی به دلیل تأکید بر ویژگی‌های بومی در مطالعه اجتماع، قابلیت به کارگیری در هر جامعه‌ای را دارند.

پارادایم و رویکرد غالب هر نظریه و بنیان‌های آن از عوامل دیگری هستند که تفاوت‌ها و شباهت‌های نظریات از آنها ناشی می‌شود. براساس پارادایم و رویکرد غالب، نظریات اجتماع را می‌توان ذیل چهار رویکرد گونه‌شناختی، اکولوژیک، شبکه‌ای و نظریه تضاد جای داد. مفهوم اجتماع در هر رویکرد برای مطالعه اجتماع در شرایط معینی کاربرد دارد (جدول شماره ۲). از این رو به منظور انتخاب مفهوم متناسب اجتماع، لازم است مشخص شود که هدف از مطالعه یا کاربری اجتماع چیست؟ در صورتی که هدف از کاربری اجتماع، بررسی میزان سنتی یا مدرن بودن آن است، لازم است مفاهیم زیرمجموعه رویکرد گونه‌شناختی به کار گرفته شوند. مفاهیم اکولوژیک اجتماع برای تبیین چگونگی پیوند الگوهای فضایی با رویدادهای اجتماعی مناسب هستند. برای کشف ماهیت اجتماع، شناسایی ذینفعان برنامه‌ها در تدوین طرح‌ها (تبیین پراکنش قدرت در اجتماع) و بهره‌گیری از روابط میان فردی موجود در برنامه‌های شهری و محله‌ای، می‌توان از مفاهیم مرتبط با رویکرد شبکه‌ای (نظریه سیستم‌ها) بهره گرفت و رویکرد نظریه تضاد عموماً برای مطالعه و کاربری اجتماع در مقیاس‌های بزرگ (شهری، منطقه‌ای یا ملی) کاربرد دارد.

توجه به پارادایم و رویکرد غالب نظریه اجتماع به منظور کاربری آن در برنامه‌ریزی شهری، تنها به هدف پژوهش محدود نمی‌شود. نظریه برنامه‌ریزی شهری و پارادایم غالب بر آن، عامل تأثیرگذار دیگری بر انتخاب نظریه اجتماع است. به عبارت دیگر، از آنجا که مفهوم اجتماع در هر نظریه از پارادایم و رویکرد غالب آن ناشی می‌شود، لازم است پس تعیین نظریات متناسب با هدف پژوهش یا برنامه، مشخص شود که پارادایم غالب نظریه منتخب برنامه‌ریزی چیست و این پارادایم با پارادایم غالب کدام نظریه (نظریات) اجتماع همخوانی دارد.

References:

- Azad Armaki, T. (2007). Sociological theories, Tehran: Soroush Publication. [in Persian]
- Bastani, S. (2008). Network Social Capital in Ten Neighborhoods of Tehran The Place of Local Ties in Social Networks, Motaleat Ejtemaee Iran Journal, No. 4, Winter. [in Persian]
- Bradshaw, T. K. (2008). The Post-Place

- Wellman, B. (1988). structural Analysis: from method and metaphor to theory and substance. In B. Wellman, P. J. Carrington, & A. Hall (Eds.), Social Structures: A Network Approach (pp. 19–61). Cambridge: Cambridge University Press.
- Wellman, B., & Wetherell, C. (1996). Social Network Analysis of Historical Communities: Some Questions from the Present for the Past. The History of the Family An International Quarterly, 1(1), 97–121.
- Wirth, L. (1938). Urbanism Way of Life. The American Journal of Sociology, 44(1), 1813–1815.
- Papoli Yazdi, H. & Saghai, M. (2002). Tradition, Modernism A Review of an Article: Geography is the Study of the Inter relationship Among Man (Culture) Technology, Management, and the Environment, Tahghighat Goghrafiyai Journal, No. 2-3, Summer-Fall. [in Persian]
- Pappenheim, F. (2008). The alienation of modern man ; an interpretation based on Marx and Tonnies, Tehran; Agah Publication. [in Persian]
- Piran, P. (2004). Wrong Assumptions of Scientific Concepts, Vaghaye Etefaghiye Journal. [in Persian]
- Piselli, F. (2007). Communities, Places, and Social Networks. American Behavioral Scientist, 50(7), 867–878.
- Rainie, L. and Wellman, B.(2012). Networked: The New Social Operating System, MIT Press.
- Rheingold, H. (1993). The virtual community: Homesteading on the electronic frontier. MA: Addison-Wesley.
- Ritzer, G. (2007). Contemporary Sociological Theory and its Classical Roots : the Basics, Tehran; Sales Publication. [in Persian]
- Saghatoleslami, A. (2012). The concept of neighborhood in Iranian Contemporary Cities, Tehran; Sokhan Gostar Publication. [in Persian]
- Talen, E. (2000). The Problem with Community in Planning. Journal of Planning Literature, 15(2), 171-183.
- Tonnies, F. (2001). Community and Civil Society. (J. HARRIS, Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner, V. W. (1991). The ritual process: structure and anti-structure. Cornell University Press.
- Webber, M. (2011), Nonplace Urban Realm, in Issucs on Cities and City Planning by M. Mozayeni, Tehran; University of Tehran Publication. [in Persian]
- Wellman, B. (1979). The Community Question : The Intimate Networks of East Yorkers. American Journal of Sociology, 84(5), 1201–1231.
- Wellman, B. (1982). Studying Personal Communities, Centre for Urban and Community Studies University of Toronto.
- Wellman, B., & Leighton, B. (1979). Networks, Neighborhoods, and Communities Approaches to the Study of the Community Question. Urban Affairs Review, 14(3), 363–390.